

## منظور قانونگذار از مادتين ۱۷۵ قانون مجازات عموسى و مكرر آن

در شماره ۸۷ مجله كانون و كلاء مقاله‌اى از همكار دانشمند آقاى سيد مصطفي مجتهدى قاضى دادگستري نوشهر منتشر شد و بحشى در مادتين فوق فرموده و از همكاران قضائى خواسته بودند نسبت بموارد ابهام موضوع نظريه دهند بمنظور اجابت اسرايشان اين مختصر را تقديم خوانندگان محترم مينمايد.

ماده ۱۷۵ قانون مجازات عموسى ميگويد (هرگاه در اثنائى منازعه كه چند نفر بخصوص در آن شراكه داشته اند قتل يا ضرب يا جرح واقع شود و مرتكب شخصاً معلوم نباشد هريك از آنها در صورت وقوع قتل بيك الى سه سال و در صورت وقوع جرح به سه ماه الى يك سال در صورت وقوع ضرب به سه الى شش ماه حبس تاديبى محكوم ميشود)

ماده ۱۷۵ مكرر چنين است (هرگاه در قتل يا ضرب يا جرح عمدى كه در غير مورد منازعه واقع شده دو يا چند نفر دخالت نمايند بدون اينكه معلوم گردد مرتكب اصلى کدام يكى است هريك از مداخله كنندگان در صورت وقوع قتل به سه الى ده سال حبس با اعمال شاقه و در صورت وقوع جرح يا ضرب بر حسب مورد به مجازاتهاي مقرر در ماده ۱۷۲ و يا ماده ۱۷۳ محكوم ميگردد.

از مقايسه دو ماده فوق جهات افتراق و وجوه تمايز آن دو بشرح زير استنباط ميشود.

- ۱ - ماده ۱۷۵ ناظر بمنازعه و ماده مكرر مربوط به غير منازعه است.
- ۲ - در ماده ۱۷۵ مكرر عنصر عمد صريحاً قيد شده ولى در ماده اصلى اين معنى تصريح نشده.

۳ - در ماده اول براى هريك از نتايج سه گانه مجازات مخصوص مقرر شده و در ماده دوم مجازات قاتل معين ولى نسبت به جرح و ضرب احاله به مادتين ۱۷۲ و ۱۷۳ قانون مجازات گرديده است

۴ - مجازاتهاي مقرر در ماده ۱۷۵ - اصلى اشد از ماده ۱۷۵ مكرر ميباشد.

۵ - در ماده مكرر قطع يا نقص يا شكستن يا از كار افتادن عضو يا منجر شدن بمرض دائم يا فقدان يكي از حواس مجنى عليه مورد نظر قرار گرفته ولى در ماده ۱۷۵ - اصلى نسبت بحالات مختلف ضرب و جرح و نتايج حاصله بر اثر آن مجازات بطور عموم و اطلاق مقرر شده است.

و هريك از جهات پنجگانه فوق در خور بحث و مذاقه كامل است و بطور اختصار يكايك را توضيح ميدهد.

۱ - در ماده ۱۷۵ - اصلى لفظ منازعه تصريح شده - منازعه از باب مفاعله است و اين باب معنائى متعدده دارد كه براى روشن شدن موضوع ذكر ميشود.

الف - غالب اوقات بمعنای مشارکت استعمال میشود و مشارکت آن است که یکی بدیگری آن کند که دیگری باوی کند و هر دو نفر درعین حال که فاعل هستند مفعول هم میباشد.

ب - در بعضی مواقع بمعنای تکثیر و افراط در زیادت است مانند مضاعفه که بمعنی زیاد نمودن و افراط در کثرت میباشد.

ج - گاهی همان معنی فعل مجرد را میدهد مانند مسافرت که همان سفر است و عقل سلیم حکم میکند که منازعه مندرج در ماده را همان مشارک بدانیم و قانونگذار در متن آن لفظ مشارکت را بکار برده و در این صورت برای تحقق ارکان منازعه دو شرط لازم است.

اول - وجود دو طرف نزاع که اقل تعداد آنان سه نفر باشد ثانیاً هر یک از دو طرف شرکت در نزاع کنند و نسبت بیکدیگر مقابله بمثل نمایند و مرتکب اصلی شناخته نشود و برای توضیح مطلب مثال میزنیم حسن و حسین و کاظم از یک قریه و احمد و ابراهیم و یوسف از قریه دیگر بر سر تقسیم آب سرافعه میکنند و دو دسته با یکدیگر زد و خورد مینمایند شرط تحقق منازعه بمعنای لغوی آن هست که هر عملی دسته اول مرتکب میشوند دسته دوم عین همان عمل را انجام دهند اگر دسته اول مرتکب ایراد ضرب میشوند دسته دوم هم باید ضاربین را کتک بزنند اگر دسته نخستین یکنفر از دسته دوم را بقتل میرسانند دسته دوم هم باید یکنفر از دسته اول را بکشند تا شباهت کامل بین فعل طرفین وجود داشته باشد و این تفسیر ابداع و اختراع نیست بلکه تطبیق صریح لفظ منازعه با معنای لغوی آن است و در مقام بحث و انتقاد نمیتوان به متعارف اکتفا نمود. ناچار بایستی به کتاب لغت مراجعه کنیم در کتب لغت معانی مختلف برای منازعه نوشته شده از قبیل در شرف مرگ بودن بیمار اشتیاق و علاقه داشتن به خانواده و بخصوصه و با یکدیگر دشمنی کردن که دو معنی اول ربطی بموضوع بحث ندارد و فقط ترجمه سوم که مخصوصه باشد قابل استفاده و استفاده است مخصوصه عبارت است از با یکدیگر دشمنی کردن و برای ابراز و اعلام و اظهار خصوصیت اقوال یا اعمال خصمانه از متخاصمین ظاهر میشود که ضرب و جرح یکی از نمونه های آن و قتل فجیع ترین و وحشیانه ترین آن است و این هائنتایح مخصوصه هستند و با این توضیح بایستی قبول کرد که منظور قانونگذار از ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی همان مخصوصه است که خصوصیت و عناد طرفین با یکدیگر عملاً ظاهر میشود و اعمال خصمانه همان ضرب و جرح و قتل مذکور در ماده است و اگر دسته اول مرتکب ضرب بدسته دوم شوند و دسته مقابل یکنفر از ضاربین را بقتل برسانند گرچه ضرب و قتل با هم فرق دارند ولی هر دو فعل مشمول و بمصداق عمل خصمانه بوده و اطلاق منازعه بر آن اشکالی ندارد و برای اینکه صحنه مذکور در ماده ۱۷۵ اصلی بوجود آید لااقل بایستی تعداد طرفین متخاصمین سه نفر باشد و چنانچه حسن و حسین در یک طرف و یوسف در طرف مقابل باشد بایستی حسن و حسین نسبت به یوسف و یوسف نسبت بان دو عمل خصمانه نمایند و طرفین یکدیگر را مجروح یا مضرور نمایند و چنانچه هر یک از طرفین نزاع دو نفر و جمعیاً چهار نفر باشند و یک نفر از یک طرف یا دو نفر از طرفین کشته شود همه

اشخاصی که از معرکه جان سالم بدر برده‌اند طبق ماده ۱۷۵ - اصلی مجازات میشوند و باید این نکته را همیشه در نظر داشت که مرتکبین اعمال خصمانه در هر دو طرف مسئول و قابل تعقیب هستند لذا اگر در مثال منازعه دو دسته از دو آبادی که قبلاً تصویر شد دسته اول یک یا تمام دسته دوم را مجروح یا مضروب نموده یا مرتکب قتل شوند ولی هیچیک از افراد دسته اول مجروح و مضروب نشده و عمل خصمانه ای بآنان وارد نشده باشد مورد مشمول ماده ۱۷۵ مکرر خواهد بود زیرا مجروحین و مضروبین مقابله بمثل نکرده‌اند و به هیچ یک از طرف‌های خود صدمه وارد نیاورده‌اند و برای احراز این معنی آثار عینی موجود در بدن طرفین و شهادت شهود و گواهی پزشک و وضع مشخصات حادثه برای تشخیص محقق قضیه نهایت اهمیت را دارد و قاعده کلی این است که شرط نتیجه همیشه ملاک انطباق بزه با مادّین مورد بحث خواهد بود و در هر حال اگر بعضی از مخاصمین فعل خصمانه انجام نداده باشند قابل تعقیب نیستند.

ماده ۱۷۵ مکرر غیر مورد منازعه را بیان کرده و حداقل تعداد آنان در شروع واقعه سه نفر است باین معنی که دو نفر در یک طرف و یک نفر در طرف دیگر باشد و شرط اساسی این ماده آن است که مجروح یا مضروب یا مقتول هیچگونه آسیب و صدمه‌ای که دال بر ارتکاب عمل خصمانه باشد بطرف‌های خود نرسانده باشد و متذکر میشود که اگر طرفین بیش از سه نفر هم باشند ولی از محتویات پرورنده استنباط شود که رفقا و مساعدین مقتول یا مضروب یا مجروح بهیچوجه عمل خصمانه مرتکب نشده‌اند موردی برای تعقیب و مجازات آنان نیست و از گفتار فوق چنین استنتاج میشود که در هر دو ماده اقل تعداد کسانی که بدو بایستی در صحنه باشند سه نفر است و چنانچه هر دو طرف نسبت بیکدیگر عمل خصمانه و مقابله بمثل نمایند همه مداخله کنندگان طبق ماده ۱۷۵ اصلی تعقیب میشوند ولی چنانچه عمل خصمانه فقط از احد طرفین ظاهر شده باشد مورد مشمول ماده ۱۷۵ مکرر است.

۲ - در ماده ۱۷۵ اصلی لفظ عمد ذکر نشده و حال آنکه در ماده مکرر در صدر ماده کلمه عمد صریحاً قید گردیده فلسفه آن چنین بنظر میرسد که در ماده اول وقتی دو دسته طرفین نزاع تصادم بینمایند بجهة ظهور اعمال بزهکارانه متقابل و اختلاط اعمال آنان با یکدیگر عنصر عمد و توجه به جزء جزء اعمال ارتكابی تقریباً محو شده و بسیار دیده میشود یکی از منازعین قصد ایراد جرح بیک نفر از دسته مخاصم را دارد و بعلت عجله و اضطراب و هیاهو و کشمکش به رفیق خودش بطور غیر عمد صدمه وارد می‌آورد و چه بسا اتفاق افتاده که در یک منازعه شخصی بقتل میرسد و بموجب ماده ۱۷۵ اصلی رفیق و مساعد او مجازات میشود در حالیکه آنچه عرفاً و عادتاً قابل قبول است علت غائی دخالت او در نزاع قتل رفیق خودش نبوده اما بهر ترتیب مجموعه اعمال طرفین و از جمله افعال رفیق شخص مقتول صحنه منازعه را بوجود آورده و شخصی بقتل رسیده است و اکثراً در منازعات و تهاجمات دسته جمعی عنصر عمد بطوریکه متعلق نتیجه و ثمره حاصله آن باشد موجود نیست و نتایج حاصله بیشتر ناشی از تصادف و برخورد و منبعت از مجموعه عکس العمل‌های طرفین است و چون مرتکب اصلی معلوم نشده همگی شرکاء قضیه تعقیب و مجازات میشوند اما در ماده

۱۷۵ مکرر عمد و توجه مرتکبین مشخص بوده و عمد جزو ارکان اصلی ماده مقرر شده است ۳ و ۴ و ۵ منازعه و مخاصمه و صحنه های ۱۷۵ و مکرر آن مغل به نظم عمومی و امنیت جامعه است وضع دو ماده فوق با این منظور بوده که افراد جامعه از حملات دسته جمعی و قتل و جرح جمعی احتراز کنند و احتیاج به بیان و استدلال نیست که افراد جامعه بطور انفراد و کمتر جرئت و قدرت دارند مرتکب قتل شوند و حتی از ایراد صدمه بدنی با شخص خاص هم بطوریکه مسئولیت آن ستوجه شخص آنان شود خودداری میکنند اما در مواقع منازعه و بهم ریختن دو دسته افراد یکبار وارد ماجرا هستند بگمان اینکه اصولاً مسئول نخواهند بود یا لااقل مجازات کمتری خواهند دید با قساوت و بیرحمی تمام مرتکب اعمال وحشیانه و فجیع میشوند. بطوریکه رعب و هراس شدید در مردم ایجاد میکنند و برای جلوگیری از اینگونه حوادث و صیانت جامعه از خطر منازعات مادتين مزبور تین وضع شده است و بادقت در متن دو ماده معلوم میشود. که مجازات قتل در ماده ۱۷۵ - اصلی اخف از ماده مکرر است و علت آن همان وجود عمد در ماده مکرر بوده چون قانونگذار جرائم عمد را با شدت قابل مجازات دانسته است در حال منازعه شاید یک قسمت از اعمال ارتكابی طرفین واکنش در مقابل طرف مخاصم و تلافی و انتقام بوده و بعین نیست که افعال خود را دفاع محسوب نموده باشند در حالتی که در ماده ۱۷۵ مکرر هیچگونه عمل متقابلی ظاهر نشده و مجرم در این مورد مستحق مجازات شدیدتری میباشد و نظر همکار محترم دایر باینکه منازعه قصد و تعمد قبلی را در بر دارد بخالف با روح ماده است چه اگر در منازعه عنصر عمد وجود پیدا داشت تخفیف مجازات آن از ماده ۱۷۵ مکرر چگونه توجیه میشود و شاید مقصود ایشان از تعمد و تصمیم همان اراده طرفین در ورود به صحنه منازعه و میدان زد و خورد باشد و اگر منظورشان این باشد اشکالی ندارد چون عمد و تصمیم در ورود در معرکه ملازمه با داشتن عمد در ارتكاب جزء جزء اعمال بعدی ندارد و اگر در منازعه عمد و قصد ارتكاب در جزء جزء آن وجود پیدا داشت لازم بود در صورت وقوع جرح منتهی به نقص عضو مجازات مرتکبین بماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی احاله میشد

در ماده ۱۷۵ مکرر در صورت وقوع جرح یا ضرب مجازات مرتکبین احاله بمادتين ۱۷۲ و ۱۷۳ گردیده و این احاله به لحاظ وجود عمد در ارتكاب این جرائم بوده است. و این مسئله که آیا رعایت تبصره ذیل ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی هم در مورد ماده ۱۷۵ مکرر لازم است یا نه قابل تأمل است مجازات جرح با چاقو ناظر بموردی است که جرح با چاقو معلوم و مشخص باشد و چون در ما نخن فیه چنانچه جرح وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر وارد شده باشد مرتکب اصلی معلوم نیست نمیتوان تمام دخالت کنندگان را به شلاق محکوم کرد چون شلاق یک مجازات تریذیلی است و منحصر بموارد مخصوص و مشخص آن است و تبصره ذیل ماده ۱۷۳ یک حالت استثنائی بوده و احاله ماده ۱۷۳ دلیل احاله به تبصره ذیل آن نیست و تبصره مذکور از لوازم و لواحق ماده قبل از آن نمیشد زیرا موضوع آن جرح با چاقو و هر نوع اسلحه دیگر بوده و مجازات آن هم با مجازات ماده ۱۷۳ متفاوت است و اگر منظور مقنن این بود که رعایت تبصره هم بشود صریحاً در ماده ۱۷۵

سکرر قید میشد و مجازات سجرمین بایستی طبق عمومات مصرحه قانونی باشد مگر آنکه نص خاص وارد شده باشد و نسبت باسرداد شکایت در مورد ماده ۱۷۵ سکرر ناظر به قسمت اخیر ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی عقیده دارد که در ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی ماده ۱۷۵ سکرر ذکر نشده و بنابراین با گذشت شاکی خصوصی نمیتوان تعقیب را موقوف کرد زیرا مجازاتهای مقرر در مادئین ۱۷۵ و ۱۷۵ سکرر برای حفظ امنیت جامعه بوده که اشخاص ناراحت و سزاحم نتوانند با جمعیت کشی و حملات دسته جمعی اشخاص را مجروح یا مضروب نمایند و اصل عدم قابلیت اسرداد شکایت است مگر در موارد مصرحه قانون و مقنن در وضع مواد قانون مجازات در درجه اول بمنافع جامعه نظر داشته است .

